



تفسیر موسیقی

شاهزاده ایگور

Prince Igor

از : بورودین

تنها اپرای کامل بورودین است .. و شانزده سال طول کشید تا با آخر رسید بسیار اشتباه است اگر بگوئیم مدت دراز آن بسبب فقدان علاقه بورودین نسبت بانام آن بوده بلکه ، درست بعکس - علاقه بورودین باین اثر باعث شد که مدتهای مدید راجع به قوم شاهزاده ایگور مطالعه کند. داستان اصلی این اپرا از مبارزات شاهزادگان روسی و پولوتسی گرفته شده است .

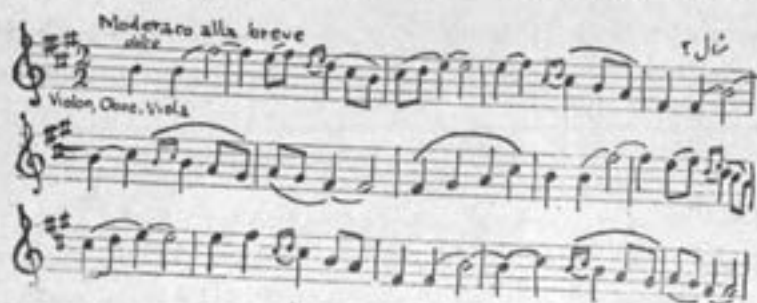
در نامه هائی که در آن سالها بر ققایش نوشته است آرزو میکند که شاهزاده ایگور را زنده روی صحنه ببیند. ولی بورودین هیچوقت باین آرزو نرسید زیرا چهار سال پس از مرگش با سمی و همت ریفسکی کورساکف و کلازوف این اپرا بچاپ رسید این دو نفر کمی از اپرا را که ناتمام مانده بود تکمیل کردند. در این اپرا رقصهای مخصوص پولو و تسی در انتهای آکت دوم قرار گرفته است .

شاهزاده و پسرش که بقصد جنگ با قبیله تاتار (مغولها) لشکر کشی کرده بودند اسیر و در اردوی پولووتسی ها زندانی بودند. اما خونچاک خان رئیس قبیله تاتار که در همین قسارت و وحشیگری دارای یک حبس برادری و انسانی نیز بود دستور میدهد که با افتخار زندانیان سلطنتی جشنی ترتیب دهند. جشن بوسیله کنیزکان که در دستشان تنبور و غلامان که با طبل داشتند آغاز میشود. رقصهای محلی تاتار که بورودین فقط بخاطر تهیه آنها آهنگ در نوشتن این اپرا تأخیر رواداشت، در این جا اجرا میشود بعضی از آنها باشعر و آواز نیز توأم است پرده اول اپرا با صدای وحشیانه تمام بازیکنان در حالیکه میگفتند «خونچاک خان ما» پایان میرسد .

در تمام اپرا رقصهایی که بیشتر جلب توجه میکند آنهاست که توسط دختران و پسران جوان اجرا میگردد. ریتم آنها مانند ریتم رقصهای شرقی است و میزان آن شش هشتم است فقط تندتر اجرا میشود بطوریکه در مثال دیده میشود یک اجرای قوی توسط باسون و ویلونسل ریتم را جلو میبرند:



پس از آن آلات بادی فلزی يك ملودی اجرا میکنند و بالاخره بادی‌های چوبی متیف اصلی را که بکمال بر بریت نیز در آن محسوس است اجرا میکنند. این متیف که با يك رقص وحشیانه همراه است و فقط بنظر آن آورده شده که رقص بعدی را که توسط دختران و بوسیله هبوا و بلنهاوآلتو اجرا میشود بهتر جلوه دهد. ملودی کاملاً شفاف و دارای حالت شرقی است.



ترجمه اشعاری که با این ملودی خوانده میشود:

ای نغمه من، پرواز کن و از روی کوهها بگذر
 ای نغمه کوچک من، پرواز کن در روی بالهای باد
 ای نغمه پرواز کن و بآن سرزمین دوست داشتنی برو که در
 آنجا آفتاب زرین است.
 سرزمینی که وطن ماست، عشق ماست، سرزمینی که پرندگان
 کوچک من در آنجا میخوانند. در اینجا ملودی تغییر میکنند، و بلنسل و کر (Cor) آنرا
 بدست میگیرند



آنجا، دریا زمزمه میکند و بساحل امواج میفرستد
 سوپرانو Soprano بر گردان اول را تکرار میکند و با این ملودی آنرا
 خاتمه میدهد



ای نغمه من، پرواز کن ای سرود موطن من پرواز کن و از اینجا

بسرعت دور شو

کر. جمله ای را در اینجا تکرار میکنند. نمیتوان اسم این جمله را تکرار گذاشت. ملودی مانند رویانی است که بدنباله حوادث بیداری متصل شده باشد و شنونده را مدتی بخود مشغول میدارد، و در همان حال مردان جوان بایک رقص دیگر اثر آنرا از بین میبرند.

و بالاخره آخرین قسمت ای را توسط یک ملودی توسط سازهای چوبی بادی نشان داده میشود.

از کتراسیون در این ای را دل عمده را در نمایاند زیبایی آن بعهده دارد که آنرا ریسمکی کورساکف انجام داده است.

شروع کردن و بانها رسانیدن این ای را توسط بوزودین درست مانند شروع کردن و بیابان رسانیدن بگرفته از تحقیقات علمی بوده است یعنی سالیهای زیادی صرف آن شده و در عوض اثر قابل ملاحظه از آب درآمده است. (از: پ)

• بوزودین در شماره ۲۴ «کبوتر سلج» معرفی شده است

چند اشتباه

در قطعه «فرمانروایی آفتاب» چند اشتباه زیر را تصحیح کنید:

سطر چهارم «شوم» بجای «شود» - سطر ششم «میگردد» بجای «میگردد» - سطر هفتم «روشن» بجای «روشن».

همچنین در سطر ۱۹ «سطر پنجم» بجای «ناتوردالسم» کلمه بی معنی «ناکوردالسم» چاپ شده است که باید تصحیح گردد.

در صفحه ۲۸ سطر اول ستون دوم در بعضی نسخه ها ریخته است که باید باین مضمون تصحیح گردد: «ویتول و مراکز مختلف

سؤال و جواب

• ژان ژاک روسو را معرفی کنید (منوچهر ارباب زاده)

- او در سالهای ۱۷۱۲ تا ۱۷۷۸ میزیست. یکی از بزرگترین نویسندگان و متفکرین قرن هجدهم شمرد می شود که در تهیه زمینه فکری انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ نقش مؤثری داشته است.

در آثار خود با رژیم فئودالی فرانسه بسختی مبارزه کرده و سازمان اقتصادی را بپایان تنقید گرفته است. نظر خود را درباره جامعه ایده آله در «کتاب قرارداد اجتماعی» بیان می کند و معتقدست که تنها جامعه ای خوشبخت است که همه در آن حقوق مساوی داشته باشند. آثار او در زمینه تعلیم و تربیت هم اهمیت زیاد دارد پایه روش تعلیم و تربیت مترقی بشمار میرود. «روسو» با آنکه ماتریالیست نبود، خواه و ناخواه ریشه های ماتریالیسم در آثارش دیده میشود. از آثار او: قرارداد اجتماعی - امیل و هلوتیز جدید بفارسی ترجمه شده است.



«رامشگران دوره گرد» - کننده کاری روی چوب. کار: هیشیاماریا.
(هنر ملی لهستان را بخوانید)